



بررسی توصیفی جنبه‌های مختلف ارائه درس کارآفرینی در آموزش و پرورش از دیدگاه مدرسان

مسعود برادران

زهرة منجم زاده

چکیده

کارآفرینان عواملی قدرتمند و مؤثر در تولید محسوب می‌گردند، به گونه‌ای که از آن‌ها به عنوان موتور توسعه اقتصادی نام می‌برند. هم‌چنین یکی از راه‌های اساسی تشکیل سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در آموزش است، از این رو با تکیه بر آموزش‌های صحیح و برنامه‌ی‌ی‌زی شده می‌توان از کارآفرینان به عنوان نقطه اتکای قابل توجهی در گسترش حرکت اقتصادی و در نهایت توسعه جامعه بهره‌برد. بنابراین با توجه به اهمیت بسزای مباحث مختلف کارآفرینی، پژوهش حاضر که پژوهشی توصیفی است، به منظور بررسی توصیفی جنبه‌های مختلف ارائه درس کارآفرینی در آموزش و پرورش از دیدگاه مدرسان استان خوزستان در سال ۱۳۸۵-۸۶ انجام گرفته است. در این مقاله سعی بر آن بوده که ضمن بررسی نظری مباحث مرتبط با ارائه درس کارآفرینی در مقطع متوسطه، اهداف آموزشی برنامه ریزان جهت قرار دادن درس کارآفرینی در برنامه درسی، مهم‌ترین موانع و مشکلات ارائه درس کارآفرینی، مناسب‌ترین مقطع تحصیلی جهت ارائه درس کارآفرینی، پیشنهاد‌های مربوط به روش‌های بهبود ارائه درس کارآفرینی، روش‌ها و تمهیدات مورد استفاده مدرسان جهت آشناسازی فراگیران با مفهوم کارآفرینی و تعریف مفاهیم کارآفرینی و فرد کارآفرین از دیدگاه مدرسان به صورت تجربی شناسایی گردد.

واژگان کلیدی: آموزش کارآفرینی، آموزش و پرورش، درس کارآفرینی



مقدمه

طی چند دهه گذشته تصور بر این بوده است که فراگیران پس از اتمام تحصیلات به استخدام یکی از بخش‌های خصوصی و یا دولتی درآمده و چنان چه امکان جذب آن‌ها در نهادهای مذکور میسر نمی‌گردد به ناچار با وجود توانایی‌های بالقوه و تجربیات آموزشی که کسب نموده بودند بیکار مانده و حتی اگر شغلی در جامعه می‌یافتند، به صورت مزدبگیر امرار معاش می‌نمودند. از طرفی سرعت روند تحولات فن آوری و اقتصادی در جهان به گونه‌ای است که حتی راه اندازی و اداره واحدهای تولیدی و خدماتی کوچک نیز نیازمند اطلاعات، دانش و مهارت‌های فراوانی است. متأسفانه نظام آموزشی به ویژه در مقطع متوسطه تاکنون صرفاً با هدف انتقال اطلاعات در حیطه علوم مختلف به دانش آموزان فعالیت نموده و کمتر خود را در مهارت‌هایی درگیر کرده است که می‌توانند به دانش آموختگان جهت راه اندازی کسب و کار توسط خود آنها مساعدت نمایند. در چند سال اخیر ارایه درس کارآفرینی به عنوان راه کاری مناسب به منظور پر کردن این خلأ مطرح شده است. این درس زمینه‌های لازم برای یافتن فرصت‌ها در بازار کار و تولید براساس توانایی فردی را هدف قرار داده و مجموعه دانش و مهارت‌هایی که برای ورود به بازار کار مورد نیاز می‌باشند و هم چنین راهبردهای لازم برای توسعه و موفقیت در کسب و کار را ارائه می‌نماید.

در واقع می‌توان گفت ماهیت تغییر و تحولات در دنیای مشاغل و حرفه‌ها به گونه‌ای است که نیاز مستمر به کسب دانش و مهارت‌های جدید در هر شغلی ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، جهانی شدن و انتشار سریع دانش و اطلاعات در عرصه اقتصاد موجب رقابت بیشتر بین شرکت‌ها شده است. به همین دلیل، دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که برای کسب موفقیت اقتصادی در عرصه ملی و بین‌المللی در عرصه خدمات و تولید محصولات در سازمان‌ها و شرکت‌ها نیاز مبرم به توسعه کارآفرینی است که به عنوان عامل اصلی تغییر و محرک اصلی توسعه حرکت‌هایی را آغاز کند و منجر به خلاقیت و نوآوری مستمر شود. این نوآوری‌ها به وجود نخواهد آمد مگر آن‌که نهاد‌های مختلف زمینه و بستر آن را فراهم آورند. برای افزایش میزان کارآفرینی در افراد جامعه لازم است آگاهی‌ها و توانایی‌های آنان را در این زمینه بالا برد. یکی از عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی توجه خاص به تقویت نظام آموزشی است. امروزه تقریباً در تمام پایه‌های تحصیلی همه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، آموزش و ترویج کارآفرینی جایگاه ویژه‌ای دارد. در ایران، بحث کارآفرینی و آموزش آن، از حدود ۱۰ سال پیش در شاخه کار و دانش نظام



آموزش و پرورش مطرح شده و در برنامه درسی جای گرفته است. بحث کارآفرینی و طرح دیدگاه های نو و روزآمد در این باره، با توجه به جوان بودن جامعه ایران که جمعیت قابل توجهی از آن جویای کار هستند، ضرورتی دو چندان می یابد (احمدپور و عزیزی، ۱۳۸۳).

به طور کلی می توان کارآفرینی^۱ را فرایند نوآوری و ایجاد پروژه های اقتصادی جدید از طریق چهار بعد اصلی فردی، سازمانی، محیطی و فرآیندی تعریف کرد که از شبکه های مشارکت در دولت، آموزش و پرورش و نهاد ها کمک می گیرد. همه مواضع خرد و کلان اندیشه کارآفرینی را باید هنگام شناخت و سنجش فرصت هایی در نظر گرفت که قابل تبدیل به ایده های سودآور بوده و بتوانند برای پیاده سازی در اقتصاد امروز وارد رقابت شوند (دانلداف و ریچاردام، ۱۳۸۳).

هم چنین کارآفرین^۲ شخصی است که فعالیتی را پدید می آورد، سازماندهی و اداره می کند و برای دستیابی به سود، خطرپذیری می نماید. پدید آورنده زمینه کار، اشتغال و فعالیت های تولیدی و خدماتی است. فردی است که حاضر به قبول مخاطره در جهت ایجاد حرفه و تولید محصولات و خدمات جدید در بازار است (سلمان زاده و همکاران، ۱۳۷۹).

با توجه به تعاریف فوق، امروزه رشد و گسترش فعالیت های آموزشی مرتبط با مباحث و ایجاد کسب و کارهای کوچک از اهمیت بسزایی برخوردار گشته اند. اما این در حالی است که چالش مربوط به آموزش هر چه مؤثرتر و کارآمدتر کارآفرینی هم چنان به عنوان یکی از مسائل مهم محافل آموزشی خودنمائی می کند. البته این موضوع در زمان کنونی کاملاً بر همگان روشن شده که کارآفرینی قابل یاددهی می باشد. پیتراکر معتقد است که کارآفرینی نیز مانند هر موضوع دیگری قابل یاددهی است. نتایج بسیاری از مطالعات نیز حاکی از آن است که با استفاده از فرایند یاددهی - یادگیری می توان کارآفرینی را آموزش داده و یا حداقل فرد را نسبت به آن ترغیب نمود. اما سؤال مهم این است که چه چیز و چگونه باید آموزش داده شود؟ (Kuratko, ۲۰۰۶).

بازنگری های اخیر درباره این موضوع که چه مطالبی باید در زمینه کارآفرینی آموزش داده شود دلالت بر تأکیدی دارد که بر پایداری برنامه های تجارتي به عنوان چارچوبی برای سازماندهی دانش و اطلاعات می شود (Gibb, ۲۰۰۱).

علاوه بر این، در خصوص علل اهمیت آموزش کارآفرینی می توان گفت که کارآفرینی از محورهای اصلی رشد و توسعه است و از نظر برنامه ریزی توسعه اقتصادی و توسعه پایدار دارای اهمیت است، زیرا (۱) موجب ایجاد اشتغال می شود، (۲) باعث افزایش سود و سرمایه سرمایه گذاران می شود، (۳) موجب دگرگونی ارزش ها و تحول ماهیت آن ها می شود و ارزش های تازه ای به وجود می آورد، (۴) موجب پر شدن خلاءها و شکاف های بازار کار می شود، (۵) موجب گذار از رکود

^۱ Entrepreneurship

^۲ Entrepreneur



اقتصادی، جبران عقب ماندگی های اقتصادی و آسان شدن روند رشد و توسعه کشور می شود، ۶) عوامل و شرایط لازم برای تولید کالاها، محصولات و بازاریابی آنها را فراهم می سازد، ۷) کارآفرینی به هنگام بحران و ناتوانی بخش خصوصی در ایجاد اشتغال می تواند باعث جلوگیری از پس روی اقتصاد شود، ۸) باعث تأمین رفاه اجتماعی می گردد، ۹) موجب رقابت صنایع به ویژه صنایع مشابه داخلی با یکدیگر و سرانجام موجب بهبود و بالا رفتن کیفیت کالاها می شود، ۱۰) باعث تقویت و تکامل صنایع داخلی می شود به این ترتیب زمینه رقابت صنایع داخلی و خارجی فراهم می آید و در نهایت به افزایش صادرات و دریافت ارز برای کشور می انجامد و در نهایت این که ۱۱) کارآفرینی موجب به وجود آمدن خدمات، روش ها، خط مشی ها، افکار و راه کارهای نو برای حل مشکلات جامعه می شود (حیدری، ۱۳۸۳).

پژوهش ها نشان می دهند که مهم ترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می باشد. از آن جایی که بخشی از کارآفرینی اکتسابی است، با استفاده از دوره های آموزشی می توان رفتار کارآفرینی را در افراد پرورش داد (آل بویسه و برادران، ۱۳۸۵).

کارآفرینی در آموزش و پرورش یک موضوع اصلی در زمینه سیاست آموزش و پرورش حرفه ای است. کارآفرینی در آموزش و پرورش نسبت به آموزش و پرورش حرفه ای به طور سنتی متفاوت است. در بحث کارآفرینی به طور مقدماتی بر توانایی ها و مهارت های فردی متمرکز می شوند نه بر قابلیت های رهیافت های یادگیری که بیشتر جنبه تجربی و عملی داشته و کمتر از پیش تعیین شده هستند. در این نوع آموزش بیشتر بر ارزیابی عدم امنیت شرایط واقعی زندگی، در راستای یافتن راه حل های خلاق و در جهت اجرای آن ها تأکید می شود. در سال های اخیر و با توجه به نتایج به دست آمده از آموزش های کارآفرینی، بسیاری از افراد جوان علاقه خود را به این گونه آموزش ها نشان داده و به شدت جذب این نوع آموزش ها شده اند. البته در این میان ذکر این نکته از اهمیت بسزایی برخوردار است که افزایش هر چه بیشتر سطح آموزش و تحصیلات افراد نمی تواند ضمانتی اطمینان بخش جهت موفقیت حتمی در شغل و کار و حرفه باشد. آمارها نشان می دهند که تقریباً ۲۰ درصد از کارآفرینان موفق از مدارس متوسطه و دبیرستان ها بوده اند، در حالی که ۲۵ درصد از کارآفرینان موفق مدرک کارشناسی و تنها ۱۰ درصد از آنان مدرک دکتری داشته اند. این نتایج به خوبی نشان دهنده این موضوع است که آموزش های عالی و دانشگاهی ارتباط منسجم و تنگاتنگی با کارآفرینی نداشته و ضروری است که ارائه درس کارآفرینی در دوره های تحصیلی پایین تر مورد توجه قرار گیرد (Banfe, ۱۹۹۱). بدیهی است در چنین حالتی میزان تأثیر آموزش های کارآفرینی در سطح آموزش عالی نیز افزایش خواهد یافت.



در واقع می‌توان فلسفه آموزش کارآفرینی در مقطع متوسطه را توانمندسازی دانش‌آموزان با این هدف که آن‌ها به اعضای تولیدکننده اقتصادی جامعه تبدیل شوند، دانست و این در حالی است که نقش مدارس کمک به دانش‌آموزان در راستای افزایش یادگیری و توسعه مهارت‌های زندگی است. هدف نمایان کردن این حقیقت است که آن‌چه دانش‌آموزان در کلاس درس می‌آموزند با زندگی واقعی آن‌ها در ارتباط است. اعتقاد بر این است که زمانی که دانش‌آموزان در کلاس درس به یادگیری و تمرین می‌پردازند، خلاقیت کارآفرینی خود را آشکار کرده، درک بهتری از مشاغل پیدا کرده، قادرند کیفیت زندگی خود را بهبود بخشیده و شهادت آن‌را بیابند که رؤیاهای خود را در جهت داشتن آینده‌ای مولد و پربار به واقعیت تبدیل نمایند (Robertson, ۲۰۰۴).

برگزاری کلاس‌های کارآفرینی در دبیرستان‌ها این شانس را به دانش‌آموزان می‌دهد که ایده‌ها و عقاید خود را قبل از آن‌که به طور واقعی وارد زندگی کاری و حرفه‌ای شوند آزمایش کرده و به اثبات برسانند، در واقع این نوع آموزش‌ها تجارب یادگیری بسیار پرارزشی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند (Montessori, ۲۰۰۶).

هم‌چنین نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که بسیاری از فراگیران دبیرستانی علاقه‌مندند که خود آغازگر یک حرفه و شغل باشند. آن‌ها به مشاغل آزاد علاقه بیشتری دارند. این گروه از فراگیران امید بسیار خوبی به موفقیت در این گونه مشاغل نسبت به مشاغل دولتی دارند. کوریلسکی چنین حقایقی را نتیجه آموزش‌های کارآفرینی ارائه شده به این گروه از فراگیران می‌داند. در این راستا روشن است که، این گونه فراگیران باید مهارت‌هایی را بیاموزند که به آن‌ها توانایی لازم به منظور مدیریت کار و مؤثر زمان، برقراری ارتباط با مصرف‌کنندگان کالاها، تولیدکنندگان خدمات و نیز همکاران خود را داده و به طور کلی حرفه و شغل خود را به طور مؤثر مدیریت کنند (Kourilsky, ۱۹۹۵).

تدریس درس کارآفرینی در دبیرستان می‌تواند به آماده‌سازی دانش‌آموزان برای واقعیت‌های زندگی و کار کمک بزرگی باشد. در این ارتباط سؤالات بسیار عمده‌ای از جمله سؤال‌های زیر را می‌توان مطرح کرد:

- چگونه تفکرات و استعداد‌های کارآفرینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه می‌توانند به عنوان سرمایه‌هایی برای توسعه تحت کنترل درآیند؟
- کدام یک از موضوعات و اهداف می‌توانند در حمایت از فرآیندهای کارآفرینی موفق تر باشند؟

- به منظور تدریس دروس کارآفرینی به چه آموزشگرانی نیاز است؟
- چگونه می‌توان آموزش‌های کارآفرینی را مورد ارزشیابی قرار داد؟ (UNESCO, ۲۰۰۶).



در ارتباط با این موضوع که چه دانش آموزشی می‌توانند از دروس کارآفرینی استفاده کنند، برخی پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند، بهترین گروهی که می‌توانند از دروس کارآفرینی استفاده نمایند، فراگیران سال‌های دوم و سوم دوره متوسطه هستند. این گروه از فراگیران دروس پایه را گذرانده و تا حدودی با اصول اولیه، مهارت‌های رهبری و چگونگی ارائه صحیح خدمات آشنا شده، مهارت‌های مدیریت، تصمیم‌گیری و برقراری ارتباط بهتر را کسب کرده، به فعالیت‌های گروهی علاقه بیشتری داشته و در این گونه فعالیت‌ها موفق‌تر عمل خواهند کرد. آن‌ها بهتر می‌توانند در فعالیت‌های گروهی شرکت نموده، به مشاغل کوچک علاقه پیدا کرده و ارائه چنین دروسی این علاقه را در آن‌ها افزایش می‌دهد (Rendell and Zahorchak, ۲۰۰۲).

همچنین مهارت‌های مورد نیاز و قسمت عمده آموزش‌های مرتبط با حرفه‌ها و محاسبات اقتصادی مختلف می‌توانند برای گروه سنی ۱۴ تا ۱۵ ساله مفید واقع گشته و ارتباطات پیچیده خط‌مشی‌های اقتصادی در سنین ۱۷ تا ۱۸ سالگی می‌توانند با نتایج دلخواه همراه باشند. بنابراین، آموزش‌های کارآفرینی باید به طور جدی و گسترده در مقطع متوسطه ارائه گردند. تجارب حاکی از آن است که قوه درک و تشخیص مسائل اقتصادی دانش‌آموزان دبیرستانی نه تنها می‌تواند با کمک به آن‌ها از طریق دوره‌های آموزشی ویژه تقویت شود بلکه می‌تواند از طریق فعالیت‌های آموزشی و تحصیلی دیگر نیز تقویت شده و توسعه یابد. علاوه بر این، قابل ذکر است که آموزش‌های سنتی کارآفرینی در مدارس مقطع متوسطه و نیز شمار بسیار زیادی از برنامه‌های مشابه با هدف معرفی دنیای کار حرفه‌ای و آگاه و آشنا کردن دانش‌آموزان با ساختار زندگی کارآفرینانه و عناصر لازم برای موفقیت افراد کارآفرین به اجرا درآمده‌اند (Szirmai and Csapo, ۲۰۰۶).

در ارتباط با دلایل دانش‌آموزان مقطع متوسطه جهت اخذ دروس کارآفرینی می‌توان گفت که بسیاری از فراگیران بر این اعتقادند که فرصت‌های شغلی بسیار محدودی در اختیار دارند، از این رو برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی برای آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این زمینه به خصوص در سال‌های اخیر بسیاری از دانش‌آموزان به ترک مؤسسات آموزشی دبیرستانی پرداخته و به هنرستان‌ها و مؤسسات آموزشی فنی و حرفه‌ای روی آورده‌اند (Palliser Economic Partnership, ۲۰۰۳).

علاوه بر این، اهمیت ارائه درس کارآفرینی برای دانش‌آموزان در دوره‌های پیش‌دانشگاهی در این است که نه تنها به فراگیران در ایجاد فرصت‌های شغلی کمک می‌کند بلکه قدرت خلاقیت و نوآوری و مسئولیت‌پذیری را نسبت به خود، خانواده و جامعه را در آن‌ها افزایش و گسترش می‌دهد. ارائه دروس کارآفرینی نه تنها سطح آگاهی کارآفرینی دانش‌آموزان را بالا می‌برد



بلکه هم چنین آن‌ها را به دانش و اطلاعات مورد نیاز به منظور توانمندسازی برای درک نقش های یک فرد کارآفرین و کسب موفقیت در کار مورد نظر مجهز می سازد (Yuk Che, ۲۰۰۵).

در خصوص اهداف درس کارآفرینی برای فراگیران مقطع متوسطه باید گفت که توسعه شغلی فراگیران و رشد اقتصادی یک کشور یا یک منطقه مهم ترین اهداف درس کارآفرینی محسوب می شوند. برنامه های کارآفرینی باید نیازهای واقعی یک فرد کارآفرین را مورد شناسایی قرار داده و بر توانایی‌هایی از جمله خلاقیت، نوآوری و توانایی حل مسأله متمرکز باشد. زمانی اهمیت این درس بیشتر آشکار می شود که به فراگیران مسئولیت پذیری فردی و ابتکار در زندگی فردی را نیز آموزش دهد (Brown, ۲۰۰۰).

در واقع مهم ترین اهداف ذکر شده برای درس کار آفرینی در مقطع متوسطه عبارتند از، (۱) رشد و توسعه مهارت های ضروری برای سازماندهی، تأسیس، توسعه و نگهداری و حفظ مشاغل موفق، (۲) تعیین آن چه که کارآفرینی تعریف شده است و کیفیت مورد نیاز برای یک فرد کارآفرین موفق، (۳) درک نقشی که مشاغل کوچک در شرایط اقتصادی و اجتماعی بازی می کنند، (۴) ایجاد فرصتی به منظور تصمیم گیری شغلی، (۵) تجربه عملی اصول و قوانین پایه ای بازاریابی، مدیریت، سرمایه داری و حسابداری، (۶) سازماندهی عناصر ضروری تولید جهت ایجاد شغل، (۷) توسعه مهارت های حل مسأله، توانایی های تصمیم گیری و تفکر انتقادی، (۸) ایجاد فرصت هایی به منظور توسعه نگرش های مثبت کاری و اعمال آنها در شغل مورد نظر، (۹) تعیین مفاهیم برنامه شغلی و منابع در دسترس برای سرمایه گذاری و (۱۰) کار به صورت فردی و گروهی در محیطی سالم با هدف رشد آموزشی (Rattner, Jennings and Kjetsaa, ۲۰۰۶).

برنامه های کارآفرینی مؤثر باید با هدف فراگیری اطلاعات و مهارت های گوناگونی که برای کارآفرینان مفید هستند، اجرا شوند. در واقع، یک برنامه کارآفرینی مؤثر می تواند اعتماد به نفس و مهارت های فردی از جمله عادت ها و نگرش های مثبت کاری، برنامه ریزی و اجرای فعالیت های خطیر و مهم و غیره را در یک فراگیر ایجاد نماید. در یک تقسیم بندی، ویژگی ها، مهارت ها و تخصص‌هایی که دانش آموزان پس از گذراندن دروس کارآفرینی کسب می کنند، به شرح زیر ارائه شده اند؛ (۱) ویژگی های اساسی یک فرد کارآفرین را تعیین کرده و به چگونگی برانگیختن چنین ویژگی‌هایی در فرد کارآفرین و به منظور به عهده گرفتن انواع خطرات پی ببرد، (۲) درک عملکرد مشاغل کوچک در شرایط اقتصادی کنونی، (۳) بازنگری فرصت های شغلی در مالکیت مشاغل کوچک، (۴) تجزیه و تحلیل زمینه های شغلی و تصمیم گیری شغلی، (۵) تعیین اهداف بلند مدت و کوتاه مدت به منظور اجرای موفقیت آمیز مشاغل، (۶) وضع ساختاری سازمان دهی شده که به دانش آموزان اجازه دهد به تعیین و دستیابی به عناصر ضروری تولید نائل آمده و موفق به آغاز یک شغل کوچک شوند، (۷) انتخاب نوعی از تولیدات یا خدمات یا ایده‌هایی بر مبنای تجزیه و تحلیل وضع کنونی بازار که می تواند در مشاغل



کوچک توسعه داده شود، ۸) جمع آوری اطلاعات واقعی مورد نیاز به منظور آغاز فعالیت های مدیریتی، بازاریابی، حقوقی، مالی و تولیدی در مشاغل کوچک، ۹) تعیین مصرف کنندگان و مشتری ها و رقبای بالقوه از طریق بررسی مشاغل رسمی و محلی و جمع آوری اطلاعات آماری، ۱۰) تعیین نوع سازماندهی مشاغل به منظور اجرای آنها، ۱۱) سازماندهی سیاست ها و خط مشی های مربوط به کارکنان و کیفیت و چگونگی کنترل آنها به منظور مدیریت مؤثر شغل، ۱۲) آماده سازی برنامه بازاریابی به منظور آغاز فروش تولیدات، خدمات و ایده های منتخب آنها، ۱۳) تجزیه و تحلیل و تعیین محل بالقوه و یا تسهیلات مناسب به منظور شروع یک حرفه، ۱۴) پیش بینی هزینه های ضروری برای آغاز حرفه مورد نظر، ۱۵) آغاز فرآیند مناسب جهت به دست آوردن سرمایه مالی مورد نیاز و ضروری برای سرمایه گذاری در یک شغل کوچک، ۱۶) بررسی راه های ممکن جهت کاهش خطرات اقتصادی در یک حرفه کوچک و مرتبط با بیمه، مشاوره مالی و حقوقی و توسعه درک و فهم قراردادها، ۱۷) بازننگری فرایندهای حسابداری ضروری جهت نگهداری و حفظ و گزارش اطلاعات مالی در زمینه شغل کوچک، ۱۸) بازننگری مسئولیت های اجتماعی و سیاسی مشاغل کوچک، ۱۹) همکاری با دیگران به منظور ایجاد یک محیط سالم و محیطی که به یادگیری بیشتر کمک می کند، ۲۰) توضیح اهمیت نگرش های کاری مثبت و تجاربی که در کنار ایجاد چنین مشاغل کوچکی کسب می شوند. طبیعی است چنان چه ویژگی های فوق برای کارآفرینی شدن ضروری تلقی شود لازم است آموزش ها جهت ایجاد و توسعه این ویژگی ها ساماندهی گردند (Rattner, Jennings and Kjetsaa, ۲۰۰۶).

از جمله مشکلات و موانع و چالش های آموزش کارآفرینی در مقطع متوسطه می توان به موارد زیر اشاره کرد؛ ۱) میزان بلوغ و تکامل کارآفرینی در مدارس: می توان وجود گرو ه های کارآفرینی در بسیاری از مدارس را نشانه بلوغ و کمال کارآفرینی و رشد این موضوع در اذهان عمومی تلقی کرد. ۲) وضع دشوار پژوهش و کمبود انتشارات علمی در خصوص کارآفرینی: دو مسأله در ارتباط با این نشریات قابل مشاهده است: یکی نشریات متعدد و مقالات بی شمار با کیفیت پایین و دیگری رقابت موجود در عرصه های مختلف پژوهش در ارتباط با کارآفرینی، ۳) عدم وجود ارتباطات مناسب و کامل میان نخبگان کارآفرینی: این چالش نیز در دو بعد قابل بررسی و تعمق است: فقدان ارتباط میان کارآفرینان در مراتب علمی مختلف و فقدان وجود ارتباطات میان آموزشگران به منظور پرورش و آموزش کارآفرینان. هر کدام از این چالش ها منجر به پژوهش، مطالعه و انتشارات کمتر در خصوص کارآفرینی می گردند. ۴) عدم کارآیی در کاربرد فناوری: ارائه اطلاعات مرتبط با کارآفرینی از طریق اینترنت و به طور کلی فناوری های روز نقش بسزایی در پیشبرد اهداف کارآفرینان دارد، اما متأسفانه کمتر این نوع فناوری ها از جمله آموزش های از راه دور مورد توجه و استفاده قرار می گیرند (Katz, ۲۰۰۳).



در نهایت آن که ارایه درس کارآفرینی در سطح دبیرستان حرکت بسیار سودمندی تلقی می‌گردد و چنان چه با کیفیت مطلوب انجام گیرد پیامدهای مثبت قابل‌لمسی را در آینده نزدیک ایجاد خواهد کرد. بنابراین ضرورت دارد وضعیت ارایه این درس مورد بررسی علمی قرار گیرد و موانع و محدودیت‌های آن شناسایی و برای رفع تنگناهای موجود تدابیری اندیشیده شود. بدیهی است در چنین حالتی می‌توان برای بهبود کمی و کیفی نحوه ارایه درس کارآفرینی که هم اکنون در برخی دانشگاه‌های کشور از جمله دانشگاه شهید چمران اهواز ارایه می‌گردد اقدام نموده و مطالب درس مذکور را با مطالب پایه ای درس کارآفرینی در مقطع متوسطه هماهنگ کرد. این پژوهش با عنایت به ضرورت این بررسی و شناسایی مسایل و معضلات موجود در ارایه درس کارآفرینی سازمان دهی شده است.

از این رو، هدف کلی پژوهش حاضر بررسی توصیفی جنبه‌های مختلف ارایه درس کارآفرینی در آموزش و پرورش می‌باشد. اهداف اختصاصی پژوهش نیز عبارتند از (۱) شناسایی معضلات، مشکلات و موانع ارائه درس کارآفرینی در آموزش و پرورش، (۲) شناسایی میزان آگاهی و مهارت‌های کارآفرینی مدرسان درس، (۳) تبیین دیدگاه آموزشگران درس کارآفرینی در خصوص نقاط ضعف کتاب کارآفرینی جهت بازنگری در آن، (۴) شناسایی دیدگاه آموزشگران درس کارآفرینی در خصوص مباحث نوینی که لازم است به سرفصل درس افزوده شود، (۵) آشنایی با دوره‌های آموزش قبل و یا حین خدمت ارائه شده جهت آموزشگران در زمینه کارآفرینی و (۶) شناسایی موضوعات مورد نیاز آنان به منظور سازماندهی دوره‌های آموزش حین خدمت کارآفرینی، تحلیل ساختاری و محتوایی کتاب مورد تدریس در درس کارآفرینی، ارائه راه کارهای سودمند و کاربردی به منظور بهبود کیفی ارائه درس کارآفرینی.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، پژوهشی پیمایشی و توصیفی است که به منظور بررسی توصیفی جنبه‌های مختلف ارائه درس کارآفرینی در آموزش و پرورش صورت گرفته است. ابزار تحقیق پرسشنامه ای نیمه باز بود. روایی پرسشنامه طراحی شده با نظرخواهی از چند تن از استادان دانشگاه و انجام اصلاحات لازم و تغییر دادن بعضی از سؤالات مورد تأیید قرار گرفت. پایائی ابزار پژوهش نیز با استفاده از برنامه SPSS پس از اجرای مقدماتی پرسشنامه با ۴۰ نفر از مربیان با روش آلفای کرونباخ اندازه‌گیری و در برخی پرسش‌ها اصلاحات لازم انجام شد. آلفای محاسبه شده برای پرسش‌های مختلف در پرسشنامه ۰/۸۲ بدست آمد. جامعه آماری پژوهش شامل مربیان درس کارآفرینی در سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان بوده است که به دلیل محدود بودن تعداد آنان امکان استفاده از روش‌های معمول نمونه‌گیری وجود نداشت، از این رو پرسشنامه در اختیار همه آنان قرار داده شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس پرسشنامه‌های عودت داده شده (۵۰ عدد) انجام گرفت.

نتایج و بحث



ایجاد تغییرات محسوس در مدرسان

یکی از اهداف این پژوهش پی بردن به این نکته قابل تعمق و ارزش مند بوده است که آیا تدریس درس کارآفرینی توانسته است در خود آموزشگران تغییراتی هر چند محدود ایجاد نماید یا خیر؟ خوشبختانه جواب های ارائه شده به این سؤال که در زیر فهرست گردیده اند، مبین این واقعیت است که تدریس درس کارآفرینی قادر بوده است تغییراتی محسوس و غیر قابل انکار در حیطه های اطلاعاتی، بینشی و مهارتی در آموزشگران ایجاد نماید. عمده این تغییرات عبارتند از: (۱) آشنایی با ضرورت کارآفرینی و نیاز جامعه به آن، (۲) توجه به ویژگی های کارآفرینی فراگیران در زمینه های مختلف کارآفرینی، (۳) آشنایی بیشتر با مشکلات جامعه و تنگناهای موجود که می توان با اصولی کردن کار تا حدودی از آنها کاست، (۴) ایجاد اعتماد به نفس و اراده و روش های تحقق این ویژگی ها در اثر شناخت استعدادها و توانایی ها، (۵) توجه به محیط اطراف و نگاه با بصیرت بیشتر، (۶) آشنایی با مشاغل گوناگون در سطح شهرستان و استان، (۷) تلاش برای استفاده بهتر از زمان، توجه بیشتر به ظرفیت های فردی و محیطی، (۸) سعی و تلاش بیشتر در زندگی و کار، تقویت روحیه مشارکت اجتماعی، (۹) انجام صحیح و منظم کارها، (۱۰) توجه بیشتر به نتیجه کار، (۱۱) انتقال تجارب موفقیت آمیز به دیگران، (۱۲) اعمال توجه خاص به دروس عملی علاوه بر دروس نظری، (۱۳) درک بهتر قوه خلاقیت و ابتکار فراگیران، (۱۴) امیدواری بیشتر در زندگی و کار، (۱۵) ایجاد انگیزه، (۱۶) ایجاد نگرش مثبت نسبت به آینده، (۱۷) گرایش بیشتر به سوی نظم و برنامه ریزی، (۱۸) ایجاد روحیه کاری و کارآفرینی.

پیشنهادهای مربوط به روش های بهبود ارائه درس کارآفرینی

آموزشگران درس کارآفرینی با توجه به تجربیات خود پیشنهادهای سازنده ای جهت بهبود ارائه درس مذکور عنوان نموده اند. عمده ترین پیشنهادهای مورد نظر آنان عبارتند از: (۱) اجرای هر درس به طور نوبتی در کلاس ها، (۲) استفاده از کارگاه های آموزشی، (۳) برگزاری دوره های آموزشی برای بخش های مختلف، (۴) ایجاد دوره های آموزشی جهت آموزش مربیان کارآفرینی، (۵) فراهم نمودن فرصت های مناسب برای انجام پروژه ها، (۶) ارائه قسمت های مختلف درس اعم از قسمت های مذهبی، فلسفی، روان شناسی، حسابداری و غیره توسط آموزشگران مختلف، (۷) تفحص بیشتر در مطالب درسی به واسطه نوع مطالب، (۸) همکاری و کمک به فراگیران در اجرای پروژه ها، (۹) برنامه ریزی جهت بازدید از شرکت ها و سازمان های مرتبط، (۱۰) دعوت از مسئولان کارخانه ها و کارآفرینان موفق و استفاده از تجارب و نظرات آنها، (۱۱) استفاده از کارشناسان و متخصصان رشته های مختلف، (۱۲) ارائه و اجرای بخش عملی در کنار بخش نظری در راستای کسب نتایج بهتر، (۱۳) همکاری مدیران مدارس و آموزشگران جهت ارائه بهتر این درس، (۱۴) ارائه دوره های تخصصی برای مدرسان.

اهداف آموزشی برنامه ریزان جهت قرار دادن درس کارآفرینی در برنامه درسی از دیدگاه آموزشگران درس



آموزشگران در خصوص اهداف آموزشی برنامه ریزان جهت تدوین و درج درس کارآفرینی در برنامه درسی دانش آموزان به نکاتی اشاره نموده اند که در واقع توجیه گر ضرورت و فلسفه وجودی این درس می باشد. عمده ترین موارد ذکر شده عبارتند از: ۱) ایجاد مهارت خوداتکایی در اشتغال آینده، ۲) استفاده از خلاقیت های فردی در موقعیت های شغلی، ۳) آشنایی نظری با ویژگی های کارآفرینان، ۴) آموزش نحوه پی بردن به استعدادها و نهفته در خود، ۵) شناخت تفکرات منطقی و نگاه دقیق همراه با تأمل، ۶) نشان دادن شخصیت انسان ها با توجه به خصوصیات از جمله اراده، مشورت، اعتماد به نفس، وقت شناسی و استفاده بهتر از منابع در دسترس، ۷) ایجاد تحول مثبت در روحیه فراگیران و تحریک آنها برای استفاده از ذهن خلاق خود جهت ایجاد مشاغل گوناگون، ۸) استفاده از نیروی جوان برای توسعه اقتصادی و صنعتی کشور، ۹) استفاده از فرصت های موجود برای آشنا ساختن جوانانی که کارآفرین نیستند ولی توان کاری دارند، ۱۰) ایجاد کسب و کار و اشتغال زایی، ۱۱) ایجاد فرهنگ کار و نگرش مثبت در جامعه، ۱۲) توسعه فرهنگی و اقتصادی، ۱۳) تقویت روحیه کارآفرینی، ۱۴) ایجاد انگیزه، شور و نشاط برای فعالیت های کارآفرینی، ۱۵) اشتغال زایی در جامعه، ۱۶) ایجاد دید بهتر به خود نسبت به آینده، ۱۷) عدم توجه صرف به مشاغل دولتی، ۱۸) ایجاد انواع بازارهای مختلف، ۱۹) ایجاد تنوع شغلی در جامعه در زمینه های مختلف، ۲۰) افزایش پشتکار فراگیران، ۲۱) آشنایی با مسائل مدیریت و برنامه ریزی و ۲۲) ایجاد رابطه بیشتر بین بازار و نظام آموزشی جهت اشتغال بهتر دانش آموزان در آینده.

پیشنهاد‌های مرتبط با نیاز کتاب درسی کارآفرینی به بازنگری

در ارزیابی کلی از موضوعات طرح شده در کتاب جدید و مقایسه آن با موضوعات قبلی به نظر می رسد مطالب مورد عنایت مؤلفان در کتاب جدید، کاربردی تر و با دیدگاه جامع تری تدوین شده است. هم چنین آن چه که در برخورد اولیه با موضوعات طرح شده در کتاب به وضوح یافت می شود آن است که گستردگی مطالب و تنوع آن ها بیان گر این نکته است که صرفاً یک مدرس نمی تواند به تنهایی و با کیفیت بالا تمامی موضوعات را ارائه کند و این کار نیازمند استفاده از روش تدریس تیمی^۳ است. این نکته هنگام تجزیه و تحلیل مشکلات ارائه درس در بعد عملیات میدانی طرح نیز توسط اکثریت مربیان درس مورد تأیید قرار گرفته است. برای مثال فردی با لیسانس روان شناسی صرفاً قادر خواهد بود مبحث مربوطه را که چندان هم گسترده نیست تدریس نماید، اما در زمینه هایی مانند مدیریت، حسابداری، بازاریابی و روش تهیه طرح های کسب و کار موفق نخواهد بود.

آن چه که این وضعیت را پیچیده تر می نماید آن است که به تنوع بسیار زیاد مدارک و رشته های تحصیلی مربیان درس کارآفرینی اشاره شود. اطلاعات تا قبل از مطالعه میدانی این طرح نشان داده است که مربیان درس کارآفرینی در استان خوزستان در سه مقطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس قرار دارند.

^۳ Team Teaching



هم چنین برخی از عناوین رشته های تحصیلی آنها عبارت است از: برنامه ریزی آموزشی، صنایع فلزی، تاریخ، علوم اجتماعی، مدیریت صنعتی، مدیریت و برنامه ریزی، حسابداری، مشاوره تحصیلی، مکانیک، زبان و ادبیات فارسی، روان شناسی، کشاورزی، کامپیوتر، حقوق قضایی، زیست شناسی، طراحی و دوخت، مدیریت بازرگانی و مدیریت دولتی. تنوع موجود قابل توجه و در عین حال سؤال برانگیز می باشد. متأسفانه بر اساس اطلاعات بدست آمده در بسیاری از مراکز آموزشی از درس کارآفرینی بدون توجه به سنخیت رشته تحصیلی آنان با مباحث کارآفرینی و صرفاً جهت پر نمودن ساعات موظف معلمان استفاده می شود.

از دیگر اهداف کاربردی این پژوهش شناسایی نقاط ضعف احتمالی موجود در کتاب درسی تدوین شده جهت تدریس درس کارآفرینی بوده است. بنابراین، از آموزشگران درخواست گردیده است تا با توجه به تجربیات خود مهم ترین نقاط ضعف احتمالی را مطرح و جهت برطرف نمودن آن ها پیشنهادهای لازم را ارائه دهند. این پیشنهادها عبارتند از: (۱) ارائه مثال ها و نمونه های عملی و کاربردی بیشتر، (۲) قابل فهم و درک کردن بهتر موضوع کارآفرینی، (۳) ارائه تعاریف قابل فهم تر از کارآفرینی، (۴) ارائه مطالبی در خصوص اکتسابی یا وراثتی بودن کارآفرینی، (۵) رفع اشتباهات زیادی که در بخش حسابداری مشاهده می شود، (۶) ارزیابی محتوا و شیوه نگارش ادبی کتاب، (۷) اضافه نمودن آزمون‌های بیشتر و جدیدتر، (۸) روشن ساختن جزئیات، (۹) انتخاب عنوان‌هایی که با قوه خلاقیت فراگیران ارتباط بیشتری داشته باشند، (۱۰) توجه به مشاغل و احیاء حرفی که می توانند برای جامعه مفید باشند ولی از بین رفته اند، (۱۱) ارائه راهنمایی کامل و درست از چگونگی تهیه یک پروژه در کتاب، (۱۲) سنگین بودن مطالب درسی و لزوم استفاده از مباحث کمتر و ساده تر در هر فصل کتاب، (۱۳) حذف بخش حسابداری و محدود نمودن مباحث مفصل اقتصادی فصل آخر در چند صفحه، (۱۴) تدوین سرفصل های مجزا برای هر کدام از مباحث، (۱۵) حذف فرم ها و جدول های قدیمی، (۱۶) اختصاص فصلی از کتاب به صنایع دستی و معرفی این گونه مشاغل به صورت مفصل، (۱۷) گنجانیدن بیشتر اصول اقتصاد و مدیریت در کتاب، (۱۸) اضافه شدن تعداد واحد درسی به پنج واحد، (۱۹) صدور گواهی مهارت برای درس مذکور، (۲۰) گنجانیدن مطالب علمی جدید در کتاب، (۲۱) گنجانیدن مطالب درسی منطبق با واقعیات جامعه در کتاب. نگاهی به پیشنهادها فهرست شده بیانگر این نکته ظریف می باشد که برخی از پیشنهادها به دلیل دیدگاه های متفاوت تعدادی از پاسخگویان، با یک دیگر در تضاد قرار دارند و لازم است با برگزاری نشست های مستر با حضور مربیان درس کارآفرینی به تفاهم و همدلی پیرامون پیشنهادها طرح شده است.

مهم ترین دوره های آموزشی مورد نیاز مدرسان

با توجه به وضعیت نامناسب برگزاری دوره های قبل و حین خدمت در زمینه کارآفرینی برای آموزشگران این درس، ضروری است دوره های مذکور جدی تلقی شده و به صورتی مستمر برگزار شوند،



منتهی برای کاربردی تر شدن این دوره ها، آشنایی با نیازهای طرح شده توسط آموزشگران ضروری است. این آشنایی یکی از اهداف اساسی این پژوهش را به خود اختصاص داده است. طبق اظهار نظر پاسخگویان مهم ترین موضوعات آموزشی مورد نیاز آنان عبارت بوده اند از: (۱) آشنایی با نحوه تدریس کارآفرینی، (۲) دوره های خلاقیت در اقتصاد ایران، (۳) روش های جدید تدریس، (۴) آشنایی با نحوه استفاده از وسایل سمعی و بصری، (۵) آشنایی با اصول روانشناسی مرتبط با کارآفرینی، (۶) آشنایی با اصول اقتصاد و بازرگانی، (۷) آموزش دوره های بازاریابی و بورس کالا، (۸) آشنایی با اصول و مراحل اجرای یک پروژه موفق، (۹) دوره های بحث و نقد کتاب، (۱۰) نحوه تعمیم مطالب و موضوعات مطرح شده به تمام جنبه های دیگر زندگی، (۱۱) آشنایی با تجارت الکترونیک و (۱۲) آشنایی با مدیریت کیفیت جامع.

مهم ترین موانع و مشکلات ارائه درس کارآفرینی

با عنایت به ارائه درس کارآفرینی در چند سال گذشته، آموزشگران این درس به ویژه آموزشگران با تجربه و با سابقه قادرند مهم ترین موانع و مشکلات ارائه درس را به خوبی بیان کنند. بدیهی است آشنائی برنامه ریزان با موانع و مشکلات اساسی فرا روی ارائه درس می تواند زمینه های لازم جهت از بین بردن و یا کاهش میزان تأثیر این عوامل را فراهم سازد. به عقیده مدرسان مذکور، مهم ترین موانع و مشکلات موجود در این رابطه عبارت بوده اند از: (۱) عدم اعتقاد به فرایند آموزش و پرورش در سطح کلان کشور، (۲) نارضایتی مدرسان نسبت به وضعیت خود، (۳) بی انگیزگی فراگیران، (۴) ناتوانی مدرسان در انتقال صحیح و کامل مطالب، (۵) ناشناخته بودن درس کارآفرینی، (۶) عدم آگاهی از تأثیرات این درس در خانواده ها، (۷) عدم وجود امکانات و منابع مورد نیاز جهت عینی کردن مطالب، (۸) کمبود زمان، (۹) کمبود امکانات در زمینه های مختلف، (۱۰) عدم آشنایی مدرسان با ماهیت درس، (۱۱) استفاده از برخی نیروهای غیر متخصص در امر تدریس، (۱۲) عدم وجود نگرش مثبت بین مسئولان، مدرسان و فراگیران نسبت به این درس، (۱۳) عدم برگزاری کارگاه های مورد نیاز، (۱۴) عدم اختصاص بودجه و اعتبارات کافی، (۱۵) عدم همکاری و هماهنگی لازم و مناسب بین سازمان ها و شرکت های مختلف دولتی و غیردولتی، (۱۶) توجه بیش از حد به نمره درس به جای توجه به هدف اصلی، (۱۷) روشن نبودن اهمیت و جایگاه درس در ساختار کلی نظام آموزش و پرورش، (۱۸) عدم توجه به جنبه عملی آموزش درس کارآفرینی، (۱۹) عدم وجود امکانات مناسب جهت بازدید از مراکز مورد نظر، (۲۰) عدم وجود منابع کافی مکتوب در ارتباط با درس کارآفرینی به جز کتاب درسی موجود، (۲۱) عدم وجود امکانات کمک آموزشی جهت درک بهتر مطالب درسی، (۲۲) عدم برگزاری دوره های آموزشی مورد نیاز برای مدرسان.

مناسب ترین مقطع تحصیلی جهت ارائه درس کارآفرینی از دیدگاه مدرسان



هم اکنون درس کارآفرینی در مقطع دبیرستان و صرفاً برای رشته های کار و دانش و فنی و حرفه ای
ارایه می شود. هم چنین درس مذکور در آموزشکده های کشاورزی و دانشگاه جامعه علمی کاربردی و برخی
از دانشگاه های کشور به صورت یک درس اختیاری تدریس می شود. در این رابطه سؤال اساسی
آن است که این درس از کدام مقطع تحصیلی می بایست در برنامه درسی فراگیران قرار گیرد. در جواب این
سؤال باید به این نکته توجه نمود که در برخی کشورهای جهان، امروزه حتی مهدکودک های کارآفرین نیز
تأسیس گردیده و در مقطع دبستانی هم اطلاعات و مهارت های کارآفرینی در برنامه های درسی کنجانیده
شده است. آن چه مسلم است به ویژه جهت پرورش ویژگی های روان شناختی کارآفرینی،
لازم است تا حد ممکن از کلاس های پایه و سنین اولیه رشد اقدام نمود اما در خصوص موضوعاتی که می
بایست طرح شوند، اختلاف نظرهایی وجود دارد.

جدول زیر بیانگر دیدگاه آموزشگران درس کارآفرینی در خصوص زمان مناسب ارائه این درس در نظام
آموزش و پرورش است:

جدول (۱): مناسب ترین مقطع تحصیلی جهت ارائه درس کارآفرینی از دیدگاه مدرسان

مقطع	فراوانی	مقطع	فراوانی	مقطع	فراوانی
اول دبستان	۲	اول راهنمائی	۲	اول دبیرستان	۷
دوم دبستان	-	دوم راهنمائی	۱	دوم دبیرستان	۹
سوم دبستان	۲	سوم راهنمائی	۶	سوم دبیرستان	۹
چهارم دبستان	۲				
پنجم دبستان	۲				

ویژگی های یک فرد کارآفرین از دیدگاه مدرسان

انتظار می رود به منظور سازمان دهی صحیح و مناسب درس و پرورش قوای کارآفرینی فراگیران،
قبل از هر چیز خود آموزشگران به تصور کامل و صحیحی از توانائی ها و ویژگی های یک فرد
کارآفرین دست یافته باشند. بنابراین، از پاسخگویان خواسته شد تا ویژگی های یک فرد کارآفرین را از
دیدگاه خود فهرست نمایند. مهم ترین ویژگی های اشاره شده توسط آنان به شرح زیر می باشد: (۱)
داشتن روابط خوب انسانی، (۲) عدم رضایت از وضع موجود و دائم به دنبال ایجاد تغییر و بهبود شرایط
بودن، (۳) عدم داشتن احساس ناامیدی در مقابل موانع و مشکلات، (۴) بهره برداری بهینه از حداقل منابع، (۵)
داشتن خلاقیت، (۶) روحیه ای با نشاط و پویا، (۷) اهل مطالعه، (۸) خطرپذیر، (۹) داشتن توانایی در سه زمینه روحی،
فکری و جسمی، (۱۰) دارای انگیزه بالا باشد، (۱۱) دارای علاقه باشد، (۱۲) دارای اعتماد به نفس، (۱۳)



هدفمند، ۱۴) داشتن روحیه انجام کار گروهی، ۱۵) دارای توانایی رهبری و مدیریت باشد، ۱۶) داشتن روحیه اصلاح طلبی، ۱۷) دارای استقلال باشد ۱۸) دارای روحیه اقتصادی باشد، ۱۹- خودساخته، ۲۰) در تمام امور دارای دقت کافی باشد، ۲۱) توکل به خدا، ۲۲) با انضباط، ۲۳) نوآور، ۲۴) دارای روحیه سازندگی، ۲۵) برنامه ریز، ۲۶) واقع بین، ۲۷) دارای اراده قوی، ۲۸) علاقه مند به کسب اطلاعات به روز، ۲۹) علاقه مند به مشورت، ۳۰) صبور.

تعریف مفهوم کارآفرینی و کارآفرین از دیدگاه مدرسان

یکی از مهم ترین اهداف این پژوهش شناسایی دیدگاه مدرسان درس کارآفرینی در خصوص مفهوم کارآفرینی و برداشت آن ها از شخص کارآفرین بوده است. بدیهی است یک آموزشگر درس کارآفرینی صرفاً هنگامی قادر خواهد بود تصور درستی از کارآفرینی و کارآفرین در اذهان فراگیران ایجاد نماید که خود در ابتدا به تعریف مناسب و جامع و مانعی در این خصوص دست یافته باشد. به دلیل آن که هر یک از تعاریف ارائه شده بر برخی از ویژگی ها و اصطلاحات کلیدی تکیه داشتند و هم چنین جهت حفظ امانت، سعی گردیده است تا عبارت های ذکر شده عیناً به شرح زیر منتقل شوند:

تعریف کارآفرینی از دیدگاه مدرسان

- ۱) کارآفرینی به این معنی است که فرد کارآفرین با توجه به اعتقادات خود بتواند زمینه و عامل تغییر در وضع موجود باشد و جامعه را در یک زمینه خاص متحول ساخته و در زمینه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره منجر به رشد مناسب گشته و در مجموع خود را تسلیم شرایط ننیند.
- ۲) کارآفرینی عبارت است از خلاقیت و ابتکار.
- ۳) کارآفرینی عبارت است از استفاده از توان ذهنی یک انسان به معنای جلب آن برای توسعه در زمینه های مختلف اعم از علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و غیره و بهره برداری از این توان.
- ۴) کارآفرینی آفرینش و آفرینندگی است.
- ۵) کارآفرینی فرآیندی است که طی آن فرد با علاقه و جدیت و برای داشتن آینده ای بهتر به فعالیتی اقتصادی، کشاورزی، خدماتی و فراتر از آن در زندگی شخصی خود اقدام می نماید. نتیجه مشخص این فعالیت ایجاد کار و اشتغال زایی مفید می باشد.
- ۶) کارآفرینی عبارت است از ایجاد خلاقیت و نوآوری و جرعه و انگیزه فکری در کارها و انجام آن ها با توکل به خدا برای کسب سود و ایجاد رفاه و آسایش خود و دیگران.
- ۷) کارآفرینی علم و دانشی است که باعث ایجاد ایده، نوآوری، خلاقیت و روحیه ابتکار در فرد شده و باعث توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می شود.

تعریف کارآفرین از دیدگاه مدرسان



- ۱) کارآفرین شخصی است که با ایمان، اعتقاد، کوشش و اعتماد به نفس در راه آبادی و نوسازی و ابتکار و اختراع و خلاقیت انجام وظیفه نماید.
- ۲) کارآفرین فردی است که بتواند در تمام شئون زندگی و کار خود تغییرات لازم را بر حسب موارد مختلف ایجاد نماید.
- ۳) کارآفرین فردی است که بتواند از وضع موجود به وضع مطلوب حرکت و پیشرفت نماید و بتواند از حداقل امکانات و منابع بیشترین بهره را ببرد.
- ۴) کارآفرین فردی است که با توجه به موقعیت زندگی بتواند تلاش های لازم را به منظور نیل به اهداف تعیین شده از خود ارائه داده و دارای آرزوهای مطلوب بوده که منجر به ایجاد منافع مادی و معنوی گردد.
- ۵) کارآفرین شخصی است که در هر شرایطی از حداقل امکانات مالی به بهترین وجه استفاده نموده و منجر به ایجاد درآمد و خودکفایی شود.

با توجه به تعاریف ارائه شده از کارآفرینی و فرد کارآفرین توسط مدرسان درس، می توان این گونه نتیجه گیری نمود که در مجموع آنان به درک صحیحی از این دو مفهوم دست یافته اند.

روش ها و تمهیدات مورد استفاده مدرسان جهت آشناسازی فراگیران با مفهوم کارآفرینی

به نظر می رسد با توجه به ماهیت خاص درس کارآفرینی و تفاوت آن با سایر دروس، جهت نیل به اهداف درس، لازم است آموزشگران از روش های متنوع و عمدتاً فراگیر محور استفاده نمایند و از ارائه درس صرفاً توسط روش هایی مانند سخنرانی پرهیز کنند. آموزشگران در پاسخ به این سؤال محققان که از چه روش ها و تمهیداتی به منظور آشناسازی فراگیران با مفهوم کارآفرینی استفاده می نمایند به موارد زیر اشاره کرده اند: ۱) سخنرانی توسط دانش آموزان در کلاس، ۲) بیان مثال های گوناگون، ۳) وادار کردن آنها به تفکر و دقت در وضع زندگی افراد موفق در جامعه، ۴) بحث و بررسی موضوعات کتاب درسی، ۵) استفاده از روش های مطرح شده در کتاب درسی، ۶) بازدید از مراکز کارآفرینی، ۷) بازدید از محل فعالیت افراد کارآفرین موفق، ۸) تحقیق و پژوهش درباره کارآفرینی، ۹) نمایش فیلم، ۱۰) ارائه مقالاتی از برخی مجلات مرتبط با کارآفرینی، ۱۱) استفاده از روش پرسش و پاسخ در ارتباط با کارآفرینی، ۱۲) ایجاد انگیزه حرکت در فراگیران از طرق برقراری ارتباط نزدیک با آن ها.

پیشنهادها

- پیشنهاد می شود کمیته ای مشترک بین مسئولان ارائه درس کارآفرینی در آموزش و پرورش و مسئولان ارائه درس کارآفرینی در دانشگاه تشکیل و سیاست های واحدی جهت ارائه درس در دو مقطع دبیرستان و آموزش عالی تدوین شود. در این صورت موضوعات درسی دو مقطع به صورتی منسجم و پیوسته



ارائه خواهد شد و از موارد طرح شده در مقطع دبیرستان به صورت پیش نیاز و پیش ساخت مطالب در سطح آموزش عالی استفاده خواهد شد.

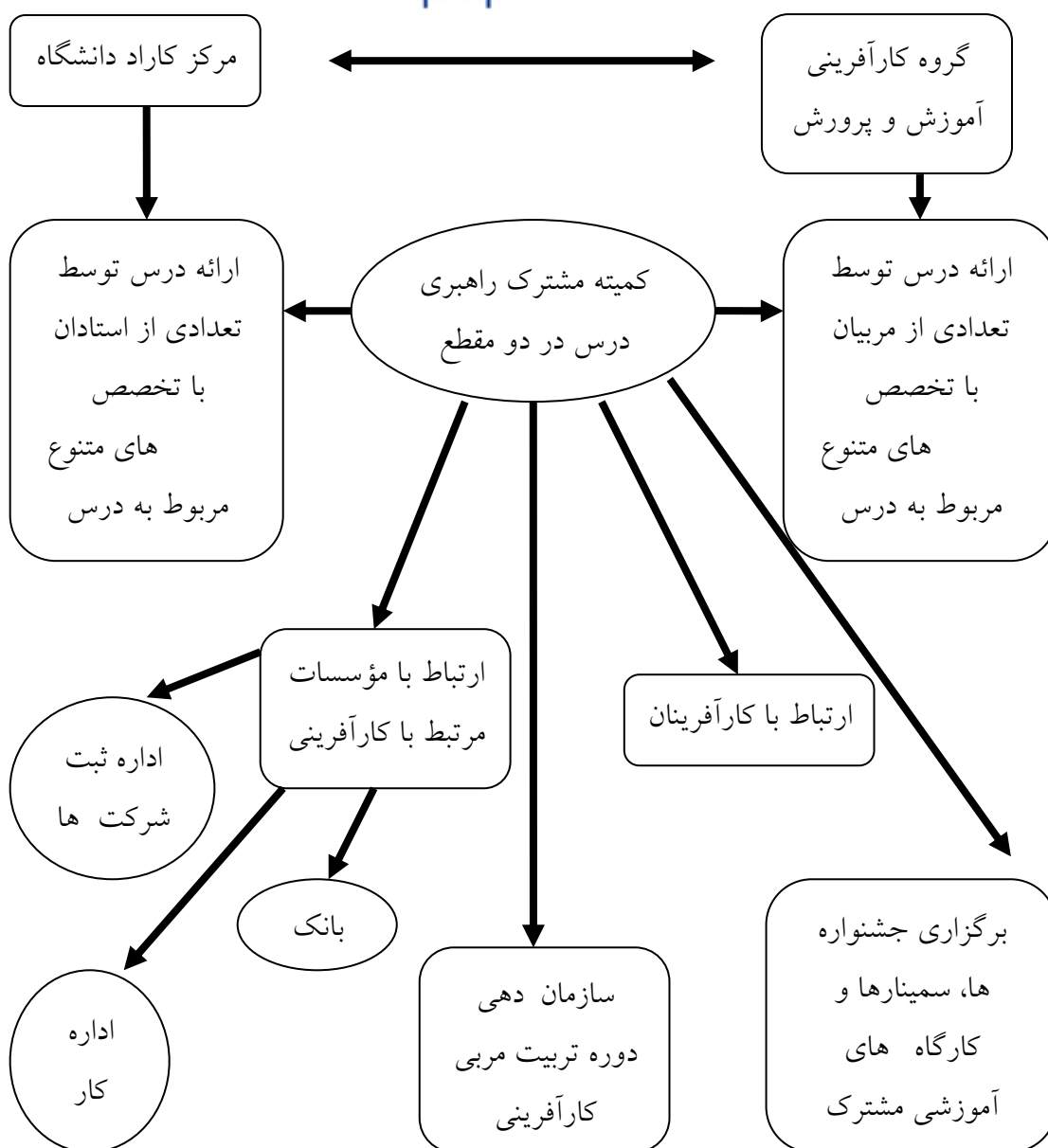
- پیشنهاد می شود از تجربیات مربیان کارآموده درس کارآفرینی در آموزش و پرورش جهت ارائه بهتر این درس در دانشگاه استفاده شود و جلسات مشترکی بین مربیان و استادان درس مذکور برگزار شود.

- پیشنهاد می شود درس کارآفرینی جهت تمامی دانش آموزان در کلیه رشته ها ارائه شود، زیرا تمامی دانش آموزان در کلیه رشته ها به قابلیت ها و مهارت های کارآفرینی نیاز دارند.

- پیشنهاد می شود مفاهیم کارآفرینی به زبان ساده حتی از سطوح ابتدائی و به ویژه راهنمایی مطرح و در فهرست دروس قرار گیرد. این کار می تواند در چارچوب یک درس مجزا و یا طرح موضوعات کارآفرینی در دروس مختلف انجام شود.

- پیشنهاد می شود فعالیت هایی مانند جشنواره کارآفرینان جوان که هر سال برگزار می شود جدی تر تلقی شده و مربیان و دانش آموزان جهت حضور فعال در این جشنواره و جشنواره های مشابه مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند.

- به منظور بهبود کیفی و کمی ارائه دروس کارآفرینی در آموزش و پرورش با توجه به یافته های این پژوهش ساز و کاری طراحی شده است. در این ساز و کار به ویژه به انسجام بیشتر بین آموزش های پیش دانشگاهی و دانشگاهی کارآفرینی اهمیت زیادی داده شده است. این ساز و کار در شکل شماره یک دیده می شود. پیشنهاد می شود موجبات اجرایی شدن این ساز و کار از سوی مسئولان و وزارتخانه فراهم شود.



شکل (۱): ساز و کار پیشنهادی به منظور بهبود کیفی و کمی ارائه دروس کارآفرینی در آموزش و پرورش - بر تدریس گروهی تعدادی از معلمان که هر یک در خصوص یکی از حیطه های درس متخصص باشند تأکید شود و از تدریس فردی خودداری شود.

- پیشنهاد می گردد نحوه تدریس درس به صورتی باشد که ارتباط تعاملی و دوطرفه میان معلم و دانش آموز برقرار گشته و در آن از نظریات و تجربیات دانش آموزان نیز استفاده گردد و معلم متکلم و وحده و سخنران نباشد.

سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از طرحی با همین عنوان است که با حمایت مرکز کارآفرینی دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شده است؛ که بدین وسیله از مدیریت و کارکنان این مرکز که با مساعدت و همکاری های صمیمانه خود امکان انجام این تحقیق را فراهم ساختند تشکر و قدردانی می شود.



منابع

- احمدپور داریانی، محمود و عزیزی، محمد. (۱۳۸۳). کار آفرینی. تهران: محراب قلم.
- دانلداف، کوراتکو و ریچاردام، هاجتس. (۱۳۸۳). نگرشی معاصر بر کار آفرینی (ترجمه ابراهیم عامل ترابی). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۱).
- سلمان زاده، سیروس، شهبازی، اسماعیل، کرمی، عزت اله و ملک محمدی، ایرج. (۱۳۷۹). فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ششم، ترویج و آموزش کشاورزی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Kuratko, D. (۲۰۰۶). Entrepreneurship Education: Emerging Trends and Challenges for the ۲۱ST Century. ۲۰۰۳ Coleman Foundation White Paper Series for the U.S. Association of Small Business & Entrepreneurship.
- Gibb, A. ۲۰۰۱ Creative Conducive Environments for Learning and Entrepreneurship. Living with, dealing with creating and enjoying Uncertainty and Complexity. Address to the Conference of the Entrepreneurship Forum. Naples.
- حیدری، احمد. (۱۳۸۳). کار آفرینی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی. فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال دوم، شماره ششم.
- آل بویه، سعیده و برادران، مسعود. (۱۳۸۵). تبیین ضرورت پرورش مدیران کار آفرین. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، چاپ نشده.
- Banfe, C. (۱۹۹۱). "Entrepreneurship: From Zero to Hero: How to be a blockbuster entrepreneur". Van Nostrand Reinhold, New York.
- Robertson, M. (۲۰۰۴). College of Charleston Develops Entrepreneurship Program For Low-Income Middle and High School Students. College of Charleston.
- Montessori, C. (۲۰۰۶). The Entrepreneurship High School Challenge. Northern Kentucky University's Fifth Third Bank Entrepreneurship Institute.
- Kourilsky, M. L. (۱۹۹۵). Entrepreneurship Education: Opportunity in Search of Curriculum. Business Education Forum, October ۱۹۹۵, pp. ۱۱-۱۵.
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). (۲۰۰۶). Towards an Entrepreneurial Culture for the Twenty-first Century - Stimulating Entrepreneurial Spirit through



- Entrepreneurship Education in Secondary Schools. www.UNESCO.org.
- Rendell, E. and Zahorchak, G. (۲۰۰۲). The Pennsylvania Governor's School for Global Entrepreneurship. A Pennsylvania Governor's School of Excellence, sponsored by the Pennsylvania Department of Education, at Lehigh University.
 - Szirmai, P and Csapo, K.(۲۰۰۶). From Student to Entrepreneur: A Hungarian Experience of Entrepreneurship Teaching. National Council for Graduate Entrepreneurship.
 - Palliser Economic Partnership.(۲۰۰۳). Economic Development Strategy. Southeastern Alberta.p: ۶۰.
 - Yuk Che, C.(۲۰۰۵). A Case Study of the Significance of Studying Entrepreneurship Education in an Institute for Secondary Five Graduates. The University of Hong Kong.
 - Brown, C. (۲۰۰۰). "Curriculum for Entrepreneurship Education: A Review". Centre for Entrepreneurial Leadership Clearinghouse on Entrepreneurship Education. <http://www.Celcee.edu/publications/digest/Dig۰۰۸.html>.
 - Rattner, A., Jennings, M. and Kjetsaa, M.(۲۰۰۶). GOVERNOR LIVINGSTON High School, Entrepreneurship. BERKELEY HEIGHTS PUBLIC SCHOOLS, BERKELEY HEIGHTS, NEW JERSEY.
 - Katz, J.A. ۲۰۰۳. "The Chronology and Intellectual Trajectory of American Entrepreneurship Education." Journal of Business Venturing ۱۸(۲): ۲۸۳-۳۰۰.